

نگاهی واقع‌گرایانه به معنای فضای شهری در شهر اسلامی

حسن سجاذزاده

^۱ استادیار شهرسازی و عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۰۵

چکیده

جستجوی سرچشمه‌ها و نارسایی‌های رویکردها و راه‌کارهای تجربی و ذهنی مبتنی بر نگرش‌های غربی و اسلامی در باره فضای شهری و اتخاذ رویکرد و روش‌شناسی پژوهشی جدید و مبتنی بر فلسفه و حکمت اسلامی در مورد مفهوم فضای شهری اسلامی به خصوص در عرصه بازار، خیابان‌ها و میدان‌های شهری، مسأله اساسی این پژوهش است. بدین منظور، با اتخاذ رویکرد «واقع‌گرایانه اسلامی» که برای سه منبع معرفتی حس، عقل و وحی مرجعیت و اعتبار قائل است و با اسلوبی «استنباط‌گرایانه و اجتهادی»، معنای فضای شهری در شهر اسلامی، مبتنی بر ارتباط بنیادین و وثیق ابعاد «وجودی» و «ماهیتی» فضا بررسی شده است. تلاقی حضور «ذهن و اجتماع» به عنوان عناصر «وجودی و اصیل» در تفکر اسلامی، در «کالبد و فضای فیزیکی» به عنوان عنصر «موجودی»، مقام و موقعیتی را متجلی می‌سازد که در آن، فضای شهری تولید می‌گردد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در بعد تعاملات ذهنی (درون‌گرایانه) با فضای شهری، مفاهیمی نظیر: تقدم حضور روزانه در فضای شهری نسبت به حضور شبانه، تقدم حرکت در فضای شهری نسبت به حس توقف و درنگ در آن، قابل تبیین و تفسیر است. در بعد «تعاملات اجتماعی» نیز، مفاهیمی چون: تقدم خاطرات اجتماعی بر خاطرات فردی، نفی قشربندی اجتماعی در فضا، تقدم شلوغی و ازدحام بر خلوت‌های شخصی و دوطرفه، تقدم تعاملات مردان نسبت به زنان، را می‌توان دریافت و استنباط نمود.

واژگان کلیدی: شهر اسلامی، واقع‌گرایی، فضای شهری، ذهن، اجتماع.

دیدگاه ذهنی - تمثیلی: این دیدگاه، به دنبال تعمیم مفاهیم آسمانی بر روی فضای زمینی، منبعت از نوعی نگاه کیهان‌شناختی و تمثیلی است. نمونه این دیدگاه‌ها را می‌توان در «مکتب اصفهان» زهرا اهری، آفرینش و معماری اسلامی قبل از مدرن سمیر عکاش و دیگران مشاهده نمود. فضای شهری متأثر از «عالم مثالی» است که صورت ذهنی آن را در خاطره جمعی خویش دارد و سرمشق آدمی در خلق فضاهای شهر زمینی است (اهری: ۱۳۸۰: ۳۹).

دیدگاه اسلامی - انسانی: در این رویکرد، شهر و فضای شهر اسلامی، با انسان‌های درون آن تعریف می‌شود و شهر با استقرار آرامش معنوی و پذیرش صلح و سلام در بین افراد معنا می‌یابد و این همه در کلمه «بیت الاسلام» نشان داده می‌شود (بمات، ۱۳۶۹: ۸۸).

دیدگاه تشریحی - احکامی: این رویکرد به دنبال نحوه تجلی دستورات و احکام دینی در فضای شهری است. «احکام، عرف و شریعت، عامل مهمی در تجلی فضای شهری در شهر اسلامی است» (حکیم، ۱۳۸۱: ۳۶۱). ویلیام ماری معتقد است که در شهر اسلامی، مسجدی برای نماز، حمامی برای غسل، گذرهای تجاری برای داد و ستد وجود دارد (Morini, 1991: 20).

۳. رویکرد و روش پژوهش

با توجه به این که رئالیسم (واقع‌گرایی)، ماهیتی «معناشناختی» دارد (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۰۸)، به نظر می‌رسد برای تحلیل، تبیین و تفسیر فضای شهری در شهر اسلامی، رویکرد «واقع‌گرایانه اسلامی» (رئالیسم اسلامی) می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. رئالیسم به معنی «واقع‌گرایی» و به معنی مکتب «اصالت واقع» است. مکتب اصالت واقع به «وجود جهان» و اصالت «خارج از ادراک و ذهن» انسان، قائل است. پیش‌فرض انواع رئالیسم، ادعایی «وجود شناختی» است (صادقی، ۱۳۸۹: ۲۱۰) که بر اساس آن، جهانی وجود دارد که مستقل از ذهن است. جهان، مستقل از معرفت ما در باره آن وجود دارد. معرفت ما از جهان همراه با خطا و سرشار از نظریه است. معرفت، نه کاملاً متصل و مستمر، به مثابه انباشت واقعیات درون چارچوب مفهومی پایدار، و نه کاملاً منفصل، با تحولات عام و همزمان در مفاهیم توسعه می‌یابند. «پدیده‌های اجتماعی» از قبیل کنش‌ها، متن‌ها و نهادها، «مفهوم محورند». در اسلام، معرفت و شناخت آمیزه‌ای از «دورن‌گرایی» و «واقع‌گرایی» است. از این رو، انسان متعادل و حقیقی در مکتب اسلام، فردی است که این دو گرایش را با هم جمع می‌کند. رئالیسم فلسفی دنیای اسلام با مرجعیت و اعتباری که برای سه منبع معرفتی حس، عقل و قلب قائل است، دارای روش‌شناسی متناسب با خود در عرصه پدیده‌های اجتماعی است.

روش تحقیق این مقاله مبتنی بر «واقع‌نمایی مفاهیم» و «استنباط‌گرایانه» بر اساس اصول «اجتهادی» عام است که با بهره‌گیری توأمان از «متون اسلامی» (قرآن، سنت و روایات)، «برهان‌های عقلی» و «دریافت‌های شهودی»، به تفلسف و نظروزی در ارتباط با مفاهیم در فضای شهری، می‌پردازد.

در سوابق مطالعات شهر و فضای شهری در شهرهای اسلامی، چندین نگاه کلی وجود دارد. در نظر عده‌ای، وجود فضای شهری و حتی وجود شهر مبتنی بر تعالیم اسلامی انکار شده است (kuban, 1980). «از نظر ساختار فضایی، شهر مسلمانان هیچ «فضای عمومی» باز و بزرگ شهری، که برای حرکت و آمد و شد در شهر باشد، ندارد» (Alsayyad, 1991: 6). برخی نیز با کنار هم قرار دادن نداشته‌های شهر اسلامی در قیاس با شهرهای غربی یا قبل از اسلام، کارایی فضاها و شهر اسلامی را مورد پرسش قرار داده و بی‌درنگ برچسب «زوال و رکود» را بر آن چسبانده‌اند (وبر، ۱۳۶۹). مقولاتی از این دست نشان می‌دهد که واقعیت و معنای فضای شهری در شهر اسلامی، کم‌تر مورد بررسی عمیق بوده است و نیاز به پرداختی جامع و ریشه‌ای دارد. برخی از محققان معاصر با رویکرد و روشی تصدیقی، به سراغ فضاهای شهری رفته و سعی در تبیین و تحلیل آن داشته‌اند. این مقاله پس از مروری گذرا به رویکردها و نگرش‌های ارائه شده در مورد مفهوم فضای شهری در شهر اسلامی، با رویکردی «واقع‌گرایانه»، سعی دارد مدلی مفهومی درباره معنای فضای شهری در شهر اسلامی ارائه دهد.

۱. پیشینه تحقیق: رویکردها به مفهوم فضای شهری در شهرهای اسلامی

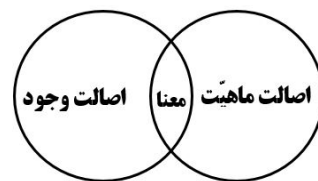
دیدگاه کالبدی - عملکردی: این رویکرد، فضای شهری شهرهای اسلامی را به لحاظ عینی و کالبدی، معنا می‌کند. «فضای شهری در دل «بازار» و «مسجد جامع» شکل می‌گیرد» (اشرف، ۱۳۵۳). سلطان زاده، فضاهای شهر اسلامی را فضاهایی نظیر «بازار»، «کوچه‌ها» و «میادین» در بافت‌های سنتی می‌داند (سلطان زاده، ۱۳۸۵: ۳۰). «همان پیوندی که در تاریخ اجتماعی کشور، بین تجار و بازاریان بزرگ، اصناف و پیشه‌وران، علما و روحانیون و گاه کشاورزان و دهقانان وجود داشت، در شهر نیز فضاهای کالبدی متعلق به هر یک از گروه‌های فوق برقرار بود» (پیشین).

دیدگاه کالبدی - اقلیمی: این دیدگاه، ویژگی‌های فضاهای شهری را، مبتنی بر «عوامل اقلیمی» می‌شمارد. گذرهای باریک و پر پیچ و خم و فضاهای بزرگ و رو باز، کارکردشان ایجاد سایه و ذخیره‌سازی هوای خنک است (شکویی، ۱۳۶۵: ۲۰۴). «خیابان‌های باریک، «سایه‌حیاتی و خنک‌کننده‌ای» را ایجاد می‌کنند و مانع گسترش «گردوغبار» می‌شوند» (Leigh shipman, 1999).

دیدگاه کالبدی - امنیتی: نظام «محل‌های بسته و راه‌های بن‌بست»، راه حل زیرکانه‌ای برای مسأله امنیت است (ریمون، ۱۳۷۰: ۳۰). موضوع امنیت موجب می‌شود که «کوچه‌ها به قدری تنگ» در نظر گرفته شود که افراد نتوانند به راحتی از آن عبور کنند. در بسیاری از خانه‌ها، پیشرفتگی‌های در کوچه‌ها ایجاد می‌شود و آن قدر «کوتاه» بود، که سر عابران مرتب به آن‌ها می‌خورد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۴۰). لاپیدوس بر آن است که وجود «بن‌بست‌ها، دیوارهای بلند و بدون روزنه»، همگی برای حل مسائل امنیتی و دفاعی است (Lapidus, 1973).

۴. مبانی نظری و چارچوب مفهومی

اصالت معنا در تفکر اسلامی: یکی از مبنایی‌ترین مباحث در فلسفه اسلامی، بحث اصالت «وجود» و «ماهیت» است. تفکر «اصالت ماهوی» در آثار حکمای مشایی و تفکر «اصالت وجود» در آثار حکمای صدرایی (حکمت متعالیه)، از جایگاه ویژه و عمیق این نحوه نگاه و تلقی از هستی خبر می‌دهد. در رویکرد واقع‌گرایانه اسلامی، یک معنا وجود دارد که همان معلوم بالذات است. لذا خارج مورد اعتقاد ما همان است که در ظرف ذهنی ما نقش بسته است. پس معنا از یک سو همان خارجی است که ادراک می‌کنیم و از دیگر سو، علم ماست که در مرتبه ذات قرار دارد، و ساحت علم، ساحت وحدت و یگانگی «عین و ذهن» است. لذا معنا را باید مرتبه‌ای از هستی شیء دانست و وجودی بودن ماهیت، وجود شیء خارجی است و اگر ما علم به خارج داریم، قطعاً باید خارج در نزد ما باشد. رویکرد واقع‌گرایانه اسلامی، به دنبال جمع کردن گرایش‌های عینی (ماهیت) و ذهنی (وجود) در برقراری معناست. «برخلاف تلقی متعارف که حساب «هستی» شیء را از «چیستی» آن جدا کرده و اصالت را از آن یکی از آن دو می‌شمارند، باید گفت: بنابر آن که اصالت را به معنای «داشتن ما بازاء بالذات و مطابق عینی» معنا کنیم، نه وجود اصیل است و نه ماهیت «جوارشکیان، ۱۳۸۷: ۱۱۸». بنا به اصل پدیداری معنا، ماهیت، وصف هستی شیء است و از چگونگی هستی خبر می‌دهد و در آینه علم و ادراک ما، مظهر هستی است و چون ظهور هستی از سنخ هستی است نه مابین آن، پس، «وجود» و «ماهیت»، نمی‌توانند دو امر متباین یا متقابل تلقی شوند و «معنی پدیده‌ها» محصول تلفیق «علم حصولی و حضوری» دانسته می‌شود (پیشین: ۱۱۸). مطابق نظریه «اصالت پدیداری معنا»، معنا حاصل وحدت اصالت «ماهیت» و اصالت «وجود» است و جنبه «معرفت‌شناختی» و جنبه «هستی‌شناختی»، نقش تعیین‌کننده‌ای در پدیداری معنا دارد (پیشین: ۱۱۹). رابطه اصالت ماهیت و وجود در معنا بخشی به پدیده‌ها در تفکر اسلامی را می‌توان در نمودار شماره ۱ مشاهده کرد.



نمودار شماره ۱: رابطه اصالت «ماهیت و وجود» در معنا بخشی به پدیده‌ها در تفکر اسلامی

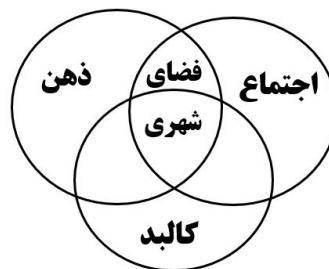
«اصالت وجودی ذهن» در رویکرد واقع‌گرایانه اسلامی: در تفکر اسلامی، انسان موجودی «وجودی» و مجموع اسمای الهی است که ویژگی‌هایی چون «کون جامع»، «متصف به وجود»، «روح عالم» و «خلیفه الله» را دارد. انسان از آن حیث که انسان است، فطرتش عالم کبیر و از آن حیث که خلیفه است، فطرتش اسمای الهی و ذاتی است؛ «فطرت الله التي فطر الناس علیها» (سوره روم، آیه ۳۰). به تعبیر دقیق‌تر، انسان از یک سو با خدا نسبت دارد و از سوی دیگر با عالم و این همان «فطرت» اوست (حکمت، ۱۳۸۴:

۶۵). دو ویژگی خاص انسان، او را از همه کلمات الهی متمایز می‌نماید و آن «فاصل و جامع» است. کلمه «فاصل»، وضعیت برزخی انسان را ترسیم می‌کند و حکایت از آن دارد که انسان در حد فاصل میان عالم و خدا قرار دارد. کلمه «جامع» دال بر این است که خدا انسان را از خاک آفریده و از روح خود در او دمیده و لذا آمیزه‌ای از «خاک و خداست» (حکمت، ۱۳۸۴: ۲۱۶) و این معنای خلیفه الهی و جانشینی خدا بر روی زمین است. این عربی همین فعلیت و قابلیت را با تعابیر «ربوبیت و عبودیت»، بیان می‌کند. «انسان از حیث حقایقش مجموع عالم است. پس او عالمی «مستقل» است (ابن عربی، ج ۳: ۱۰۱).

«اصالت وجودی اجتماع» در رویکرد واقع‌گرایانه اسلامی: علامه طباطبایی به اصالت فرد و جامعه، توأمان معتقد است و بیان می‌کند که انسان دارای دو «خود» است؛ یک «خود فردی» و یک «خود اجتماعی» (توکل، ۱۳۸۸: ۵۵۳). به اعتقاد وی، افراد بعد از ترکیب، یک خود و یک «واقعیت فرهنگی» به وجود می‌آورند که واقعاً «وجود» دارد و آدمی این «من» را احساس می‌کند و این «من»، «من فردی» نیست. علامه طباطبایی این نکته را از قرآن کریم استنباط می‌نماید که جامعه دارای «شخصیت واقعی» است؛ یعنی، ترکیب جامعه، ترکیبی اعتباری از افراد نیست و از سعادت و شقاوت جامعه سخن می‌گوید. ایشان در تأکید این مطلب، ادراک‌های اعتباری را به دو دسته «ادراک‌های اعتباری پیش از اجتماع» و «ادراک‌های اعتباری پس از اجتماع»، تقسیم می‌نماید (پیشین: ۵۵۲). ادراک‌های اعتباری پس از اجتماع، نظیر امر به معروف و نهی از منکر، پاداش و جزا، حکومت و امنیت صرفاً با تشکیل اجتماع انسانی، معنا می‌یابد. در قرآن کریم از اجتماع اسلامی با هویت به «امت مسلمه و واحده»، تعبیر می‌شود. در این اجتماع، انسان به وسیله مقام نبوت متوجه مصالح و منافع زندگی اجتماعی می‌گردد (طباطبائی، ۱۳۸۶: ج ۴: ۹۶). چنان که می‌فرماید: «كان الناس امه واحده...» (سوره بقره، آیه ۲۱۳).

تعریف فضای شهری: با توجه به ماهیت معناشناختی رئالیسم، به نظر می‌رسد استخراج و استنباط فرایند رخداد معنا در فضاهای شهرهای اسلامی را باید در پیوند فضا با منابع شناخت و معرفت را در نگاه «واقع‌گرایانه اسلامی» تبیین و تفسیر نمود. در این نظام، «ذهن» و «امت» (اجتماع) امور واقعی و متعینی هستند که ذهنیت متفرد انسان‌ها آن‌ها را دگرگون نمی‌سازد. بنابراین، دریافت معانی در فضای کالبدی نیز از طریق شناخت نتایج حاصل از هم‌خوانی این منابع معرفتی (ذهن و اجتماع) با فضای کالبدی حاصل می‌گردد. براین اساس، عنصر فضا به عنوان ماهیت، از ارتباط متقابل آن با «جهان درونی و شهودی» (ذهن)، و «اجتماع»، معنا می‌یابد. نکته‌ای که در این جا حائز اهمیت است آن است که آثار تجلی رابطه بین ذهن و اجتماع، امری رفتاری است و ارتباط بین فضا و ذهن، نیز بیش‌تر در آثار معماری خود را نشان می‌دهد و نمی‌توان صرفاً به واسطه آن‌ها به واقعیت‌های فضای شهری به عنوان فضای اجتماعی پرداخت. با توجه به تلازم مقولات «ذهن (انسان) و اجتماع» به عنوان عناصر «وجودی» در رویکرد رئالیسم اسلامی و با توجه به

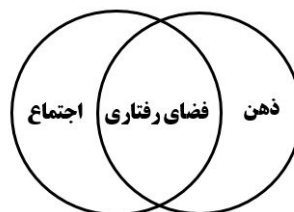
اصل پدیداری معنا در وحدت «ماهیت» و «وجود»، در نظریهٔ اصالت پدیداری معنا، معنای فضای معماری یا شهری را در قالب نمودار شماره ۲ بیان نمود.



نمودار شماره ۲: مدل مفهومی فضای شهری در شهر اسلامی

۵. تحلیل روابط سه گانهٔ فضا، ذهن و اجتماع

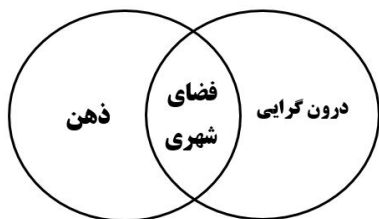
تحلیل رابطهٔ «ذهن - اجتماع»: در اسلام هر زن و مردی که به اسلام درآید و فرائض تعریف شده را انجام دهد، عضوی از «اجتماع اسلامی» است. مفهوم اجتماع، در قالب «امت اسلامی» تجلی می‌یابد. منشأ پدیدار شدن «امر اجتماعی» در منظر اسلام، الحاق «انسان» به موجودیتی «واقعی» (و نه اعتباری یا توافقی) است و لذا در اسلام هر فرد - همانند حضرت ابراهیم(ع) - می‌تواند یک «امت» هم باشد؛ «ان ابراهیم کان امه قانتا لله حنیفا» (نحل، ۱۲۰) و امت به «امام» (آن چه پیش روست و مسیر را نشان می‌دهد) شناخته می‌شود. بنابراین، «مشی»ها مایهٔ پیوند امت است و نه توافقی‌های ضمنی یا صریح. این مشی‌ها در قالب انجام کارهای نیک، نماز، زکات و ... است که به انسان وحی شده است و اعتباری نیست، چنان که می‌فرماید: «و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوه و ایتاء الزکاه و کانوا لنا عابدین» (سورهٔ انبیاء، آیهٔ ۷۳). در نوشته‌های مورخان و حکمای اسلامی مانند ابن خلدون نیز، مفهوم «شهر - جامعه»، محور اصلی سخن است که در آن به «روش زیست و رفتار» در شهر تأکید شده تا کالبد یا شکل شهر؛ زیرا در نظر آنان مقوله فضایی - مکانی مهم نبوده، بلکه «اجتماع (امت)» و «مؤمن»، مهم و جوهری فرض شده است، حال هر کجا باشد و هر طور که زندگی کند. تجلی رابطهٔ حضوری ذهن و اجتماع در فضای شهری شهر اسلامی در نمودار شماره ۳ بیان آمده است.



نمودار شماره ۳: تجلی رابطهٔ حضوری ذهن و اجتماع در رفتار و شیوهٔ زیست

تجلی رابطهٔ «فضا - ذهن»: دیدگاه «ذهنی» در ارتباط با فضا، مقوله‌ای حکمی - شهودی است که در آن، مفهوم فضا، در مورد جایگاه انسان به عنوان «جانشین خداوند»، تفسیر می‌شود و فضا جنبه‌ای «وجودی» به خود می‌گیرد (حبیبی، ۱۳۸۰: ۷). این

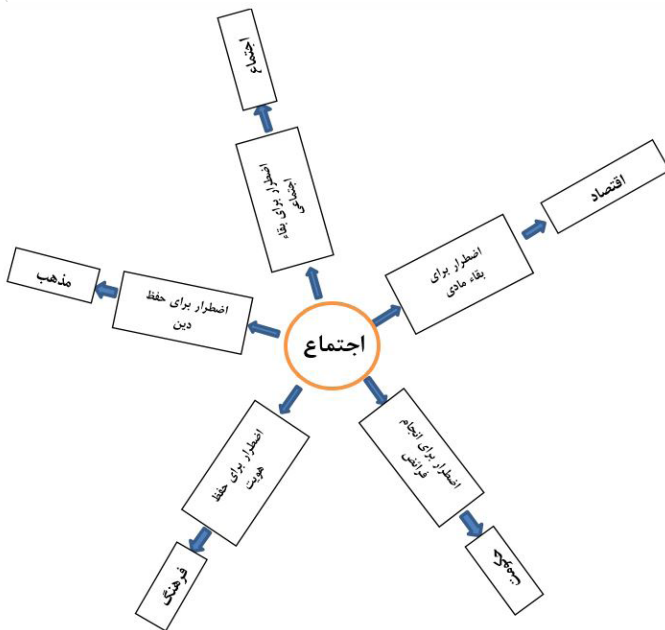
رویگرد، رویکردی شهودی است که در آن قلب، «جایگاه ادراک» و خانه خداست (بیت الله) که همواره آمادهٔ تجلی و تسلیم در برابر اسماء الهی است. تنها راه پیدایی حکمت و جوشش قلب، گرایش به تجلی و ظهور حق و «تواضع» در برابر آن است. به همین دلیل، شیوهٔ سازمان‌دهی فضای کالبدی در محیط‌های اسلامی، شیوه‌ای «درون‌گرایانه» است و همواره «مکانی مرکزی» را برای تمرکز و یافتن خویش و رفتن به سمت «شدن» شکل می‌دهد. این فضاها از طرفی به واسطهٔ برطرف نمودن نیازهای مادی و اولیّهٔ انسان (نظیر نور، هوا، روشنایی، خنکی، گرمی و ...)، «ممد حیات» و از طرفی دیگر به واسطهٔ قابلیت تجلی وجودی انسان، «مفرح ذات» هستند. بر این اساس، «فضا عنصر مثبت» در معماری اسلامی است (اردلان، ۱۳۷۴: ۱۶) و «معنای پنهان صورت» را در عرصهٔ فضایی به نقشهٔ پنهانی، که حلقهٔ اتصال عالم خیال به حس است، تحویل می‌نماید. چنین نظام فضایی، با الهام از نقشهٔ پنهان عالم، ویژگی سلسله مراتب مفهومی را دارد که در نسبت با آن چه «جا» می‌خوانیم، «همه جا» هست و «هستی» را در آن حصول می‌نماید. براین اساس حضور ذهن در فضای شهری موجب بروز درون‌گرایی توپولوژیکی در فضای شهری در شهر اسلامی می‌گردد (نمودار شماره ۴).



نمودار شماره ۴: تجلی رابطهٔ فضا و ذهن در پدیداری مفهوم درون‌گرایی فضای شهری در شهر اسلامی

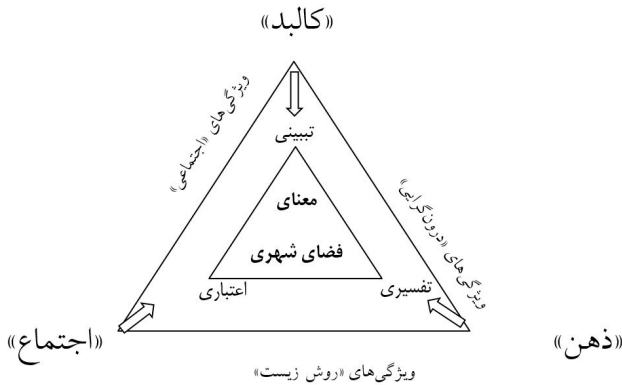
تجلی رابطهٔ «فضا - اجتماع» در فضای شهری: با توجه به اصالت وجودی «اجتماع» در رویکرد واقع‌گرایانهٔ اسلامی و بر اساس نظریهٔ اصالت پدیداری معنا، معنای فضای شهری در شهر اسلامی را می‌توان در تجلیات رابطهٔ بین «اجتماع و نیازهای عملکردی»، استخراج و استنباط نمود. در رویکرد واقع‌گرایانهٔ اسلامی، اضطرار و نیاز سبب پیدایش «اجتماع تعاونی» و دوام زندگی اجتماعی شده است (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۳۱). علامه طباطبایی، زندگی اجتماعی در اسلام را نوعی «اضطرار» می‌داند و معتقد است که، پدید آمدن اندیشه‌های اعتباری خاص، تحت تأثیر جامعه، پدید آمدنی «اضطراری» است که فطرت انسان برای حفظ نظام اجتماعی انسان، آن را اقتضا می‌کند (پیشین: ۳۸). ایشان معتقدند که در فرایند زندگی اجتماعی، انسان به این نتیجه رسید که زندگی اجتماعی و مدنی را بر اساس تعاون و همکاری تشکیل دهد و پس از تشکیل زندگی اجتماعی نیز متوجه شد که «دوام و بقای اجتماع و زندگی اجتماعی» منوط و مشروط به این است که مناسبات و روابط میان افراد انسانی، متعادل باشد تا هر صاحب حقی بتواند به حق خود نائل شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق،

تجاری را در فضای شهری «اضطراری و ضروری» ساخته است. در نمودار شماره ۶ وجوه ماهیتی فضاهای شهری و هم‌چنین التزام و فلسفه وجودی این ماهیت‌ها بیان شده است.



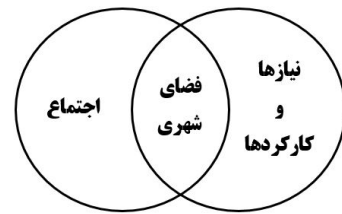
نمودار شماره ۶: ابعاد مختلف ماهیت زندگی اسلامی در اجتماع

نتیجه مهم این تحلیل در دیدگاه رئالیسم اسلامی آن است که، اکتناهی فضا جز از طریق حضور اجتماع و ذهن در فضا، ممکن یا کامل نیست. با این نگرش، فضای معنادار، پایگاهی وجودشناسانه به خود گرفته که در آن حصول ماهیت و حضور وجودی لازم و ملزوم یکدیگرند. بر این اساس فضای شهری در شهر اسلامی با وجود روابط متقابل وجوه سه‌گانه کالبد، ذهن و اجتماع شکل می‌گیرد (نمودار شماره ۷). هم‌چنین مفاهیم ذهنی و اجتماعی در زندگی اسلامی در اجتماع را بر اساس رویکرد واقع‌گرایانه می‌توان در نمودار شماره ۸ مشاهده کرد.



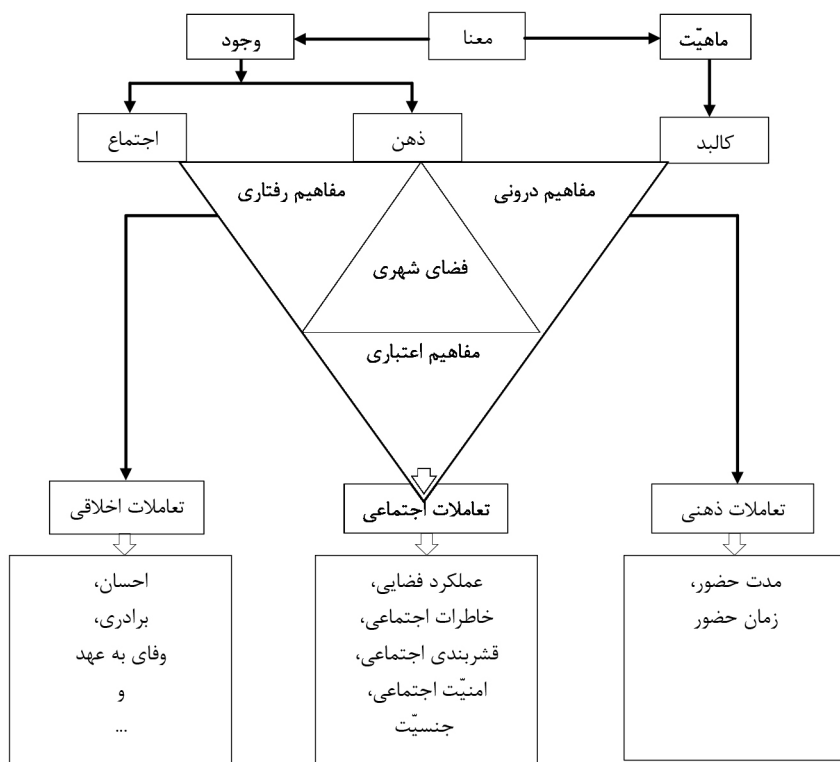
نمودار شماره ۷: روابط متقابل وجوه سه‌گانه کالبد، ذهن و اجتماع در معنابخشی به فضای شهری

ج ۴۸: ۳۲۸). بنابراین، «ضرورت و اضطرار»، چنین اقتضایی را برای او به وجود آورده است. به تصریح علامه «انسان از روز اول به حکم ضرورت، اجتماع تشکیل داد تا در اجتماع منزلتی شایسته و صالح، پیدا نماید» (طباطبایی، ۱۳۱۷ ق.، ج ۱۸: ۳۲۸). توضیح مطلب این که، کثرت نیازهای انسان در زندگی دنیا موجب می‌گردد که افراد به تنهایی نتوانند همه آن‌ها را در زندگی خود برآورده نمایند و ناگزیر و به اضطرار باید اجتماعی زندگی کنند. از این رو، نیازمندی‌ها و برآوردن آن‌ها، سبب شده است تا انسان به زندگی اجتماعی و تعاون، اشتیاق نشان دهد و کارکرد ادراک‌های اعتباری نیز، در جهت رفع نیازهای مختلف و متغیر انسان و اجتماع است. نمودار شماره ۵، نشان می‌دهد تجلی حضور اجتماع در فضای شهری بیش‌تر مبتنی بر رفع نیازها و عملکردهاست.



نمودار شماره ۵: تجلی رابطه نیازها و اجتماع در پدیداری فضای شهری اسلامی

بر این اساس، نهادها و نظام‌های اجتماعی، «مفاهیمی» هستند که انسان‌ها برای امور و شئون اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی، اعتبار می‌نمایند. مهم‌ترین این نظام‌ها، «نظام خانواده»، «نظام اقتصادی»، «نظام دینی و مذهبی»، «نظام حکومتی» و «نظام فرهنگی» است (مصباح یزدی، ۱۳۷۲). به عنوان مثال، نظام حکومتی صرفاً به این دلیل در جامعه شکل می‌گیرد که انجام فرائض را ممکن می‌سازد. در قرآن کریم می‌فرماید: «شما بهترین امتی بودید که برای مردم خارج شده‌اند، چرا که «امر به معروف و نهی از منکر» می‌کنید و به خدا «ایمان» دارید» (سوره آل عمران، آیه ۱۱۰). این آیه به مهم‌ترین اصل اجتماعی اسلامی، یعنی «امر به معروف و نهی از منکر» توجه خاصی دارد و علت برتری امت اسلامی را بر دیگر جوامع در «امر به معروف و نهی از منکر» و «ایمان به خدا» می‌داند. بنابراین در جهت اضطرار «حفظ دین» و برقراری «امر به معروف و نهی از منکر» و «ایمان به خدا»، نیاز به حکومت در جامعه اسلامی، نیازی اضطراری است. به این ترتیب، تنفیذ مهارت‌های اجتماعی، انجام فرائض و حراست جامعه از مداخله و مزاحمت بیگانگان، وجود نهادهای حکومتی را در شهر و فضاهای شهری الزام می‌نماید. هم‌چنین اضطرار در «بقای مادی اجتماع»، موجب گردیده که فضای شهری، رابطه مستقیم با تجارت و داد و ستد داشته و محملی برای رفع «نیازهای معیشتی و روزمره» و هم‌چنین «عملکردهایی برای تولید» و چرخه اقتصاد باشد. وابستگی انسان به دیگران در «تأمین معاش» و هم‌چنین «تأمین نیازهای مادی در جهت بقای زندگی»، بروز و ظهور ماهیت



نمودار شماره ۸: مفاهیم ذهنی و اجتماعی در زندگی اسلامی در اجتماع بر اساس رویکرد واقع‌گرایانه

را برای آرامش، عبادت و خلوت قرار داده و روز را برای فعالیت و کار. این نگرش با دیدگاه‌های معاصر در نظریه‌های شهرسازی غربی متفاوت است. الکساندر در کتاب *الگوهای استاندارد* در معماری به صراحت بیان می‌کند که «اکثر فعالیت‌های شهری به ویژه آن دسته که جنبه «تفریحی» دارند، در شب اتفاق می‌افتند. مغازه‌ها، اماکن جذاب و مراکز خدماتی را که تا نیمه‌های شب باز هستند با هتل‌ها، کافه‌ها، غذاخوری‌ها و امثال آن پیوند دهید تا یک مرکز عالی تفریحات شبانه داشته باشید؛ با نور کافی، ایمن و پر از شور و نشاط که مردم را بتواند از مراکز پراکنده به سمت خود جلب کند» (الکساندر، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۵). در فرهنگ اسلامی، علاوه بر تأکید بر ماندن زن در خانه، با در نظر گرفتن این که «بیت» به یک معنا با «بیتوته» به معنی «شب ماندن در جایی» هم‌خانواده است، و نیز توصیه پیامبر اکرم (ص) دربارهٔ مرد مسلمان که ماندن مرد در بیرون خانه را دور از مروت دانسته (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ج ۵: ۲۷۰، حدیث ۱) و حرمت فوق‌العاده‌ای که اسلام برای حریم خانه در شب قائل شده و حتی مرد مسافر را از نزول بی‌خبر در شب به خانه خود منع کرده است (شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ج ۳: ۱۸۲، حدیث (۶) ۲۵۱۴)، می‌توان چنین گفت که اسلام دوام حضور در خانه را به‌ویژه در شب، برای مؤمنین توصیه کرده است. بدین ترتیب، حضور در «بیت» به متداول‌ترین حضور در بین سایر قلمروها تبدیل می‌گردد و لذا فضای شهری و عمومی در شب، به فضایی خلوت تبدیل می‌شود.

مدت حضور در فضای شهری: فضای شهری در شهر اسلامی به دلیل همان بعد درون‌گرایی، بیش از آن که عرصه مکث، دیدار، گفتگوهای دو طرفهٔ فردی و تفریحی باشد، عرصه حرکت و «عدم

۶. تحلیل ابعاد مفاهیم مرتبط با فضای شهری اسلامی

با توجه به مبانی نظری و هم‌چنین دیدگاه‌های رویکردهای واقع‌گرایانه اسلامی نسبت به اجتماع، به نظر می‌رسد که در استنتاج و استنباط مضامین و مفاهیم فضایی و رفتاری مرتبط با فضای شهری در شهر اسلامی، در قالب ابعاد «تعاملات ذهنی» با فضا و «تعاملات اجتماعی» در فضای شهری، خود را متجلی ساخته که کاربست آن‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، نقش مهمی را در معنا بخشی به فضاهای شهری در محیط‌های اسلامی ایفا خواهد نمود.

۶-۱. تحلیل تعاملات ذهنی با فضای شهری اسلامی

زمان حضور در فضای شهری: حضور و استفاده از فضای شهری در شهرهای اسلامی به دلیل بعد «اضطراری» آن و در جهت رفع نیازهای دائمی مادی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی است. فضای شهری اسلامی ضمن برخورداری و تأکید بر شاخصه‌های زمانی مربوط به رویدادهای مهم (ایام الله)، نشان می‌دهد که چگونه در بازه‌های زمانی با نزدیک شدن به این خصوصیت زمانی، به نوعی وجد و حیات دست می‌یابد. نکتهٔ دیگری که در این زمینه جالب توجه است آن است که با این که فضای شهری در طول روز دائماً محل جنب و جوش و فعالیت است، در هنگام شب به فضایی خلوت و سکوت تبدیل می‌گردد. بنابراین حضور روزانه و کاری در فضای شهری، ویژگی خاصی را در شهرهای اسلامی به وجود آورده است که در آن عرصهٔ فضای شهری در شب به عرصه‌ای خلوت‌تر، تبدیل می‌گردد، چنان که سلطان‌زاده در توصیف بازارهای ایرانی در گذشته می‌گوید که «هر بازار دارای دروازه‌ای بود که شب‌ها بسته می‌شد» (سلطان‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱۱). در تفکر اسلامی، خداوند شب

استقرار ثابت» است. وجود نداشتن عناصر و مبلمان‌های ثابت و نیمه‌ثابت برای ترغیب به مکث و ماندن در این گونه فضاهای شهری، دلیلی بر این مدعاست. پیامبر (ص) به منظور انعکاس اهمیت فراوانی که اسلام برای حریم خصوصی و تمایز بین زندگی شخصی و اجتماعی قائل است، مسلمانان را در استفاده از معابر عمومی برای نشستن، مکث، گفتگو و خیره شدن به اطراف برحذر داشته‌اند (حکیم، ۱۳۸۱: ۱۰۳). بر خلاف دیدگاه‌های انسان‌گرایانه غربی که بر حوزه‌هایی برای درنگ و بر ابزارهایی برای نشستن و مکث در فضا تأکید دارند و حضور دائم و گذراندن زمان بیش‌تر را در مکان برای تعامل با محیط و تأثیرپذیری و تعلق به آن ضروری می‌دانند (Marcus & Sarkissian, 1986)، در فضای شهری در شهرهای اسلامی، التزامی برای استقرار دائم و مالکیت قلمروی ثابت، در فضا مشاهده نمی‌شود. مدت زمان حضور فرد در فضا، به میزان مدت زمان لازم برای برآوردن احتیاجات وی و برطرف نمودن نیازهای اوست و نه بیش‌تر. این نگاه بر خلاف دیدگاه غربی که «پرسه‌زنی» را در فضا، هنر زندگی روزمره در فضاهای شهری، هنر «بودن در بین» و هنر «همزیستی» می‌داند - که مکان را تسخیر و آن را مصرف می‌کند (Benjamin, 1986) - در عرصه فضای شهری در محیط‌های اسلامی تعریف نشده است؛ در مقابل، پرسه‌زنی در فضا به منزله بروز نوعی عدم امنیت و متزلزل بودن منزلت اجتماعی و فردی در فضا است. بنابراین دوام حضور در قلمرو عمومی، نسبتی خاص با مدت زمانی دارد که شخص در جهت برآورده شدن نیازهای خود به آن‌جا مراجعه می‌کند.

۲-۶. تحلیل ابعاد تعاملات اجتماعی با فضای شهری

اسلامی

تقدم خاطره‌ها و رویدادهای اجتماعی در فضا: حوادث و رویدادهایی که در فضاهای شهری در محیط‌های اسلامی اتفاق می‌افتند، بر مجموعه‌ای از جریان سیال اجتماعی استوار است، تا شخصی و فردی. حضور اجتماع در فضای شهری، نه تنها برخوردار از شاخص‌های مکانی، بلکه توأم با برخورداری از شاخص‌های زمانی است. فرایند «حاضرسازی» گذشته در فضای شهری و مرور حوادث و وقایع، بیش از آن که تبلوری فردی داشته باشد، «ماهیتی اجتماعی» و شهری دارد که در اذهان ساکنان شهر نقش بسته است. در فضای شهری ایرانی - اسلامی، واقعه‌ها و حوادث با مکان در می‌آمیزند و مکان، خاطره‌های جمعی شهروندان را در خود انباشته می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۰: ۱۲). این در حالی است که در تفکر غربی، ارتباط و ارزیابی از فضای شهری، به «تعامل عاطفی» منبعث از رویدادهای مهم زندگی «فردی و تجارب گذشته وی» در مکان بازمی‌گردد (Bonnes & Secchiaroli, 1995). این موضوع که بعد تخیلی و خاطره‌بخشی فضای شهری در محیط اسلامی، بیش از آن که فردی باشد، بعدی اجتماعی و جمعی دارد، می‌تواند راهنمای ما در شناخت تفاوت نگرش به فضای شهری در غرب و در شهرهای اسلامی باشد. رویدادهایی نظیر حضور اجتماعات انسانی در قالب برگزاری نمازهای اعیاد اسلامی، جنبش‌های اجتماعی و برگزاری

مراسم آیینی و مذهبی همگی از رویدادها و حوادثی هستند که نقش بسزایی در تداعی خاطرات اجتماعی در فضا بر جای می‌گذرد و ارتقای سطح تعاملات جمعی را، با فضا افزایش می‌دهد.

تقدم عدالت اجتماعی بر منافع فردی در فضای شهری: در تفکر اسلامی، تنوع انسان‌ها و گروه‌ها، به هیچ وجه امتیازی برای آن‌ها به‌شمار نمی‌رود. قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا» «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیله‌تان کردیم تا یکدیگر را بشناسید» (سوره حجرات، آیه ۱۳). براساس همین شناخت و تنوع فرهنگی است که نظام زندگی اجتماعی و تعاون انسان‌ها، استحکام می‌یابد. فضای شهری در شهر اسلامی، فضایی در جهت برقراری عدالت اجتماعی و عدم رجحان طبقاتی است. عرصه فضای شهری، فارغ از طبقات و سختی‌های اجتماعی، محمل و عرصه ورود برای همه اقشار جامعه است. حضور اقشار متنوع فارغ از روستایی و شهری، ثروت‌مند و فقیر و ...، نوعی تبلور عدالت اجتماعی را در فضا به ارمغان می‌آورد. بنابراین، نگرش به فضای شهری، نگرشی کاملاً عمومی و فارغ از حضور طبقه و فواصل اجتماعی در فضا و پاسخ‌گوی طیف وسیعی از نیازها و عملکردهاست. موقعیت‌های اجتماعی و شغلی افراد بر تکرار حضور در فضاهای شهری، تأثیری ندارد و عرصه‌ای برای حضور همه ساکنان شهر با هر نوع شغل فراهم می‌آورد. از این رو، عرصه فضای شهری، به دنبال نابرابری اجتماعی نیست، بلکه عملکردها و کارکرد آن در جهت مساوات و برقراری عدالت اجتماعی در فضا است. این در حالی است که در تحقیقات معاصر، سطح درآمد افراد و موقعیت اجتماعی آن‌ها را عامل تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری انتظارات فرد از مکان و در نتیجه انتخاب نوع خاصی از مکان می‌دانند (Sanoff, 1970). در دیدگاه انسان‌گرای غربی، افراد در جستجوی مکان‌هایی هستند که در آن، افرادی با ویژگی‌های مشابه آن‌ها، به لحاظ طبقه، قوم، مذهب، گروه‌های اقتصادی، الگوی زندگی، تحصیلات، درآمد و نژاد مشابه حضور داشته باشند (Marcus & Sarkissian, 1986). کوهن و شینار در تحقیقات خود آورده‌اند که شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی در فضای شهری به شرایط اقتصادی و اجتماعی، سن، مدت سکونت و زمینه وابسته است (Cohen & Shinar, 1985, Oswald & Wahl, 2001).

موقعیت مکانی فضای شهری اسلامی نیز در جهت عدالت اجتماعی، امری فراتر از مکان معین طبیعی یا مصنوعی است. این موقعیت نقطه مجردی است که «معنای زندگی جمعی» از آن‌جا پدیدار می‌شود. در این حالت، فضا به واسطه موقعیتی «مرکزی» واجد شأنیت خاصی می‌گردد. شأنیت مرکزی بودن فضا، نوعی رجحان فضایی است که در آن هیچ نقطه‌ای بر دیگری برتری ندارد. مقام و موقعیت مرکزی فضای شهری، مقام و موقعیت مرکزی فضای شهری، همان مقام و موقعیتی است که همه هست و نیست زندگی و همه مواهب انسانی، اجتماعی، مادی و معنوی، در آن جاری و ساری است و موجبات حضور و پذیرش همه اقشار و طبقات اجتماعی و تحقق عدالت در دسترسی به خدمات عمومی یکسان را برای همه

ساکنان شهر فراهم می‌آورد (برق جلوه، ۱۳۸۰: ۴۳). به این ترتیب «هست و نیست» فضای شهری مرهون مقام و موقعیت مرکزی آن است که در آن به لحاظ بعد روانی، ذهنی، حسی، ادراکی، عقلی و تخیلی همه مواهب انسانی و اجتماعی، مادی و معنوی، ماهیتی و وجودی را به مخاطبان خود اهدا نموده است؛ به طوری که عدالت فضایی و اجتماعی، امنیت فضایی و اجتماعی، همگی استقرار فضا را در موقعیتی مرکزی، طلب می‌نماید. حضور و پذیرش همه اقشار و طبقات اجتماعی در فضای شهری، «موقعیتی مرکزی» و «دسترسی مناسب و راحت» را برای آن‌ها تداعی می‌نماید. این حضور دائم، خاصیتی بدان بخشیده که فضا را همواره در دسترس و در قلمرو خدمات عمومی قرار داده است.

تقدم امنیت اجتماعی، نسبت به امنیت فردی و روانی: در نظریه ادراکات اعتباری، دین از آغاز ناظر به زندگی اجتماعی انسان و دنیاست، لذا رفتارهایی چون امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است در تفکر انسان‌گرای غربی به منزله تجاوز به حوزه‌های شخصی افراد تلقی گردد، در محیط اسلامی امری است که بقا و امنیت جامعه را تضمین می‌نماید. به نظر می‌رسد که حضور حکومت در جامعه شهری که در دیدگاه‌های غربی به منزله تجاوز به حریم شخصی و کاستن سطح امنیت روانی فضا، قلمداد می‌گردد، در شهر اسلامی، در جهت برقراری امنیت اجتماعی بیش‌تر، است (جعفری، ۱۳۷۶: ۳۵۷). در حقیقت، انسان برای طی کردن سیر استکمالی خود نیازمند همکاری اجتماعی است و بدین دلیل، نیازمند «امنیت» است. هنگامی که انسان از ملازمت با فضای شهری به اجتماع می‌پیوندد، به سهم خود در تبدیل فضا به «فضای عدالت و امنیت» می‌کوشد. احساس امنیت موجود در فضا به دلیل عمومیت فضا و نیز عدم تخصیص فضا و قلمروهای آن به اقشار یا گروه‌های مختلف اجتماعی، نوعی آسایش روانی را در فضا به همراه دارد. در این گونه فضاها، خودمانی بودن فضا و همسانی آن برای اجتماع، نوعی احساس امنیت و راحتی و آسایش را برای مخاطبان خود فراهم می‌کند که در آن فضا، عاری از «تکلف‌های» بغرنج یا اضطراب‌های خاص درونی برای استفاده‌کنندگان است. در تفکرات غربی رابطه عاطفی بین فضا و فرد، نقش مهمی در امنیت روانی افراد حاضر در فضا ایفا می‌کند (Masch & Manor, 1998). به این ترتیب، مقوله امنیت در فضای شهری در محیط اسلامی، مقوله‌ای اجتماعی است تا فردی و وجود دستگاه‌های نظارتی رسمی و به خصوص غیر رسمی در فضای مذکور در قالب نهادهای مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و هم‌چنین میزان تعاملات اجتماعی بالا در آن به همراه میزان بالای نظارت‌های اجتماعی، همگی موقعیت و کنترلی را در فضا ایجاد نموده که فرصت کم‌تری برای اختلالات امنیتی فراهم می‌آورد.

تقدم تعاملات مردان در فضای شهری: برخی دیدگاه‌های غربی نقدی خاص بر حضور زن در فضاهای عمومی دارند. زنان به حوزه کسب درآمد راهیابی محدود دارند، اما به هیچ وجه به حوزه ارتباطات عمومی راه ندارند (Van Nieuwenhuize, 1965: 71). عدالت اسلامی حکم می‌کند که به دلیل ویژگی‌های جسمی و روانی

خاص زنان، آن‌ها از هر نوع التزام در تأمین معاش و مسئولیت‌های مالی معاف باشند (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۱۲). اما از آن جا که در موازنه «حق» و «تکلیف»، زن و مرد دارای وظایف یکسانی هستند، عدم حضور زن در عرصه فضای شهری، به معنای نفی جواز حضور او نیست؛ بلکه به معنای عدم «التزام کاری» وی در تأمین معاش و کار است. لذا، عدم التزام حضور زن در عرصه عمومی از باب «امتنان» است و نه از باب محرومیت؛ به عبارتی دیگر، زنان از این «تکلیف الزامی» و «مسئولیت واجبی» که برای مردان مقرر شده است، معاف شده‌اند. چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در وصیت خود به حضرت علی (ع) زن را از سایر کارهای مردانه و سخت نظیر هروله بین صفا و مروه و استلام حجر و سر تراشیدن در حج معاف نمود (شیخ صدوق، ۱۳۶۳: ۳۶۴). آیت ... جوادی آملی ضمن تأکید بر نقش قوام‌دهنده خانواده به وسیله مرد می‌فرماید: «چون مسئولیت تأمین زندگی و هزینه اداره زندگی، بر عهده مرد است، لذا سرپرستی داخل منزل نیز بر عهده مرد است و این قیوم بودن مرد نسبت به زن در محیط و محور خانوادگی است، وگرنه در خارج منزل و در عرصه‌های عمومی معنا ندارد» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۶۸). در رویکردهای غربی، عدم امکان حضور زن در فضای عمومی را نوعی تبعیض و ظلم به زن قلمداد می‌کنند. به این ترتیب، جنسیت در تعامل با فضای شهری نقش مؤثری دارد و این با دیدگاه غربی که جنسیت را عامل تعیین‌کننده‌ای در تعامل با محیط نمی‌داند (Cohen & Shinar, 1985)، مغایرت دارد.

نتیجه‌گیری

فضای شهری در شهر اسلامی، گفتمان بین «ذهن» و «اجتماع» است. استخراج و استنباط «معنای فضای شهری» در شهر اسلامی، بدون پیوند مفاهیم وجودی «اجتماع» با فضا یا صرفاً با انعکاس و تعمیم تصورات ذهنی در فضا، دستاوردی جز ادامه رویکردهای سطحی نسبت به واقعیت فضاهای شهری در شهرهای اسلامی در پی نخواهد داشت. حضور انسان در فضای شهری به معنای اتصال به «وجودی جمعی»، در جهت نیل به «سعادت زندگی دنیوی و اخروی» است. در تحلیل اعتبارات اجتماعی در فضای شهری، «سود و منفعت همگانی و طرفینی» در اولویت قرار دارد و فضای اجتماعی مبتنی بر «تعاون» و رعایت «مصلحت» است و برقراری و تجلی «عدالت اجتماعی»، رکن رکن چنین فضایی است. از این رو، کیفیت تعاملات «عاطفی» پیش‌گفته در عالم غرب در فضای شهری یا کیفیات «ذهنی» در رویکردهای اسلامی، در بیان واقعیات تعاملات انسان با فضا کارایی نخواهد داشت. مطالعه حاضر نشان می‌دهد تعاملات بین انسان و فضا در شهر اسلامی، بیش از آن که، براساس ادبیات رایج در حوزه معماری و شهرسازی، «شخصی و فردی» و مبتنی بر تعاملات «عاطفی و معطوفی» باشد، برعکس، «اجتماعی» و مبتنی بر ارتباطات و تعاملات «تابعیت و متبوعیت» است و مهم‌ترین ویژگی‌های آن، عدم دوام حضور در فضای شهری، تأکید بر بعد کاری فضای شهری، حضور روزمره در فضا، رفع نیازهای روزانه و اضطرابی در فضا است. براین اساس، مفاهیم ذهنی

در فضای شهری اسلامی را می‌توان در مورد تقدّم بعد عبوری بر بعد تأمل در فضا و هم‌چنین تقدّم حضور روزانه نسبت به حضور شبانه در فضا دانست. در مورد مفاهیم اجتماعی در فضای شهری اسلامی نیز می‌توان به غلبه ابعادی چون حضور طبقات مختلف اجتماعی، خاطرات جمعی، امنیت اجتماعی و تعاملات مردان در فضا، اشاره کرد که به صورت خلاصه در جدول شماره ۱ آمده است.

تقدم گذر و عبور در فضا. نسبت به ماندن در فضا	تعملات ذهنی	مفاهیم جاری در فضای شهری
عدم طبقه‌بندی اجتماعی در فضا	عدالت اجتماعی	
تقدم خاطرات جمعی. نسبت به خاطرات فردی در فضای شهری		
تقدم امنیت اجتماعی. نسبت به امنیت فردی در فضا		
تقدم تعاملات مردان. نسبت به زنان در فضای شهری		

جدول شماره ۱: مفاهیم مرتبط با فضای شهری در شهر اسلامی

به این ترتیب «حس تعلق» به فضا، بیش از آن که احساسی کالبدی و شخصی ناشی از حضور فیزیکی صرف افراد در فضا باشد، حسی است «اجتماعی» مبتنی بر «حضور ذهن و اجتماع» با هدف رشد و استحکام جامعه. بنا بر این، مفاهیم و مضامین در فضاهای شهری، در قالب سه دسته کلی «مفاهیم ماهوی»، «مفاهیم منطقی» و «مفاهیم فلسفی» قابل استنتاج و استنباط هستند که در دو قالب کلی «تعاملات درون‌گرایانه» و «تعاملات اجتماع‌گرایانه»، می‌توان آن‌ها را تبیین و تفسیر کرد.

فهرست منابع و مراجع

۱۰. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱، چاپ هفتم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۱. جوادی آملی، عبدا... (۱۳۷۸)، زن در آینه جلال و جمال، ج اول، دارالهدی، قم.
۱۲. جوارشکیان، عباس (۱۳۸۷)، «اجتماع دو منظر اصالت ماهیت و اصالت وجود در نظریه اصالت‌پدیدیاری معنا»، مجله مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهلم، شماره پیاپی ۸۱/۲، صفحه‌های ۱۰۱-۱۲۸.
۱۳. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰)، «فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای»، مجله صفا، شماره ۳۳، صفحه‌های ۱۳-۵.
۱۴. حکیم، بسیم، سلیم (۱۳۸۱)، شهرهای عربی - اسلامی - اصول ساختمانی و شهرسازی، ترجمه محمد حسین ملک احمدی، انتشارات وزارت فرهنگ.
۱۵. حکمت، نصرالله (۱۳۸۴)، حکمت و هنر در عرفان ابن عربی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
۱۶. ریمون، آندره (۱۳۷۰)، شهرهای بزرگ عربی اسلامی، ترجمه حسین سلطان زاده، انتشارات آگاه، تهران.
۱۷. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۵)، فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۸. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، انتشارات چهار طاق، تهران.
۱۹. شکویی، حسین (۱۳۶۵)، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۲۰. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد (۱۳۶۳)، من لا یحضر الفقیه، جامعه مدرسین، قم.
۲۱. صادقی، رضا (۱۳۸۹)، «رنالیسم و معیارهای آن»، مجله فلسفه دین، سال هفتم، شماره ششم، صفحه‌های ۲۱۴-۱۸۷، تهران.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۰)، مجموعه رسائل، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، تهران.
۲۴. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۸۶)، اصول فلسفه و روش رنالیسم، ج ۴، انتشارات صدرا، تهران.
۲۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ دوم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، مجموعه آثار، جلد شش، انتشارات صدرا، تهران.
۲۷. مقدسی، ابو عبدا... محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، بخش دو، شرکت مؤلفان و مترجمان، تهران.
۲۸. وبر، ماکس (۱۳۶۹)، شهر در گذر زمان، شیوا کاویانی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
29. Alsayyad, Nazar (1991), Cities and Caliphs, On the Genesis of Arab Muslim urbanism, Greenwood Press, New York.
30. Benjamin, W. (1986), 'A Berlin chronicle', in P. Demetz (ed.) Reflections: Essays, Aphorisms, Autobiographical Writings, New York.
31. Bonnes, M., Secchiaroli, G. 1995., Environmental Psychology: A Psychosocial Introduction. London: Sage.
32. Cohen, Y.S. and Shinar, A. (1985), Neighbourhoods and Friendship Networks, The University Of Chicago, Chicago.

۱. قرآن کریم
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۲)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول و دوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۷۴)، حس وحدت، نشر خاک، تهران.
۴. اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران - دوره اسلامی»، مجله نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، تهران.
۵. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۸)، الگوهای استاندارد در معماری، ترجمه فرشید حسینی، نشر مهران، تهران.
۶. اهری، زهرا (۱۳۸۰)، مکتب اصفهان در شهرسازی، زبان شناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستور، دانشگاه هنر، تهران.
۷. برق جلوه، شهیندخت (۱۳۸۰)، «ساختارهای کالبدی - مراکز کالبدی ایران»، مجله صفا، ۳۳: ۳۶-۴۵.
۸. بمت، نجم‌الدین (۱۳۶۹)، شهر اسلامی، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۹. توکل، محمد (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی معرفت، جستاری در تبیین رابطه ساخت و کنش اجتماعی و معرفت‌های بشری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران.

33. Kuban, Dogam(1980), Prepared Community. In Hold Renata(ed), Toward an Architecture in The Sprit Of Islam, The Aghan Awards, Philadelphia.
34. Lapidus, Ira(1973), Traditional Muslim Cities: Structure and Change, In Carl Brown(Ed), From Madina Of Metropolis: Heritage and Change In the Near Eastern City, The Darvin Press, New Jersey.
35. Leigh Shipman(1999), The Islamic City Order Within Chaos, Edu, Hyiton High School, World Virginia, Prine William county
36. Marcus, C.C. and Sarkissian , W. (1986), Housing as if people Mattered, Berkeley, University of California Press.
37. Marcus, C.C.(1992), 'Environmental memories' .In Low, S.M. and Altman, I.(Eds)Place Attachment, New York, Routledge.
38. Mesch, G.s and Manor, O. (1998), 'Social ties, environmental Perception, and Local attachment', Environment and behavior, 30:4, pp. 504-519
39. Morini, Massimo(1991), The Search For an Identity –A Comparative Analysis Of Studies Of Estern Islamic Cities, In Spazio e Societe, No 56
40. Oswald, F. & Wahl, H. W. (2001), Housing in Old age: conceptual remarks and empirical data on Place Attachment, IAPS Bulletin of People – Environment Studies, No. 19, pp. 7-11.
41. Sanoff, H. (1970), Residential Patterns of Racial Change: A study of a Southern City, Raleigh, Urban Affairs and Community Services center.
42. Van Nieuwenhuijze, C.A.O. (1965), Social Stratification and the Middle East, Leiden,.